بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[تولی من قبل الجائر 2](#_Toc427985599)

[روایت اول 2](#_Toc427985600)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 2](#_Toc427985601)

[روایت دوم: 2](#_Toc427985602)

[بررسی روایت از لحاظ سند 3](#_Toc427985603)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 3](#_Toc427985604)

[روایت سوم 3](#_Toc427985605)

[بررسی روایت از لحاظ سند 4](#_Toc427985606)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 4](#_Toc427985607)

[روایت چهارم 4](#_Toc427985608)

[بررسی روایت از لحاظ سند 5](#_Toc427985609)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 5](#_Toc427985610)

# تولی من قبل الجائر

## روایت اول

**«مُحَمَّدُ بْنُ یعْقُوبَ عَنْ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنِ الْوَلِیدِ بْنِ صَبِیحٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فَاسْتَقْبَلَنِی زُرَارَةُ- خَارِجاً مِنْ عِنْدِهِ فَقَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع- یا وَلِیدُ أَ مَا تَعْجَبُ مِنْ زُرَارَةَ- سَأَلَنِی عَنْ أَعْمَالِ هَؤُلَاءِ أَی شَی‌ءٍ کانَ یرِیدُ أَ یرِیدُ أَنْ أَقُولَ لَهُ لَا فَیرْوِی ذَاک عَلَی ثُمَّ قَالَ یا وَلِیدُ مَتَی کانَتِ الشِّیعَةُ- تَسْأَلُ عَنْ أَعْمَالِهِمْ إِنَّمَا کانَتِ الشِّیعَةُ تَقُولُ یؤْکلُ مِنْ طَعَامِهِمْ وَ یشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِمْ وَ یسْتَظَلُّ بِظِلِّهِمْ مَتَی کانَتِ الشِّیعَةُ تَسْأَلُ عَنْ هَذَا.»[[1]](#footnote-1)**

این روایت در باب مذمت زراره حساب می‌شود. همان‌طور که عرض شد این مذمت باعث تضعیف زراره نیست. یک احتمال این است که بگوییم به خاطر رک‌گویی و روحیه‌ی زرارة حضرت مذمت می‌کنند.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت از لحاظ دلالت سه احتمال وجود داشت. که اظهر این بود که دلالت بر حرمت تولی می‌کند. یعنی زرارة سؤال کرد و امام (ع) فرمودند: که این مطلب روشن جایی برای سؤال نیست.

اگر احتمال مقابل را بگیریم. یعنی شیعه از این مطالب سؤال نمی‌کند! باید حمل بر تقیه کنیم. این روایت بر حول تحریم و تجویز دور می‌زند.

## روایت دوم:

**«وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: کنَّا عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ ع عَلَی بَابِ دَارِهِ بِالْمَدِینَةِ- فَنَظَرَ إِلَی النَّاسِ یمُرُّونَ أَفْوَاجاً فَقَالَ لِبَعْضِ مَنْ عِنْدَهُ حَدَثَ بِالْمَدِینَةِ أَمْرٌ فَقَالَ أَصْلَحَک اللَّهُ - وُلِّی الْمَدِینَةَ وَالٍ فَغَدَا النَّاسُ - یهَنِّئُونَهُ فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَیغْدَی عَلَیهِ بِالْأَمْرِ یهَنَّأُ بِهِ وَ إِنَّهُ لَبَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ.»[[2]](#footnote-2)**

می‌فرمایند که ما در کنار درب خانه‌ حضرت (ع) بودیم. جمعیت زیادی از جلوی خانه عبور می‌کردند. حضرت می‌فرمایند: چه خبر است؟ این جمعیت برای چیست؟ شخص جواب داد: والی جدیدی آمده است، این‌ها برای مبارک‌باد می‌روند. حضرت (ع) می‌فرمایند:‌ چه‌بسا می‌روند به خاطر تولی وی، درحالی‌که این تولی بابی است از ابواب نار.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت کاملاً معتبر است. نقطه‌ی اشکالی ندارد.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در دلالت این روایت چند نکته است:

1. در دلالت حرمت این روایت، تردیدی نیست. زیرا می‌فرماید تولی وی، دری از ابواب جهنم است. این وعده عذاب است و وعده عذاب، نشان‌دهنده حرمت است.

2. ظهور اولیه کلام در قضیه شخصیه است. ارتکاز عرفی متوجه می‌شود که ولایت شخص نامشروع است. سه احتمال در جملات «**ان الرجل لیغدی علیه بالامر یهنا به**» و «**انه لباب من ابواب النار**» وجود دارد. جمله اول و دوم را عام بگیریم که دلیل بر بحث ماست. احتمال دوم این است که بگوییم هر دو شخصی است و دلیل بر بحث ما نیست. احتمال سوم نیز این است که اولی شخصی باشد و دومی مطلق باشد. باز هم به بحث ما ربط دارد. اگر احتمال اول بگیریم، الغای خصوصیت نیز می‌شود.

## روایت سوم

**«وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یحْیی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ یحْیی بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُهَاجِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فُلَانٌ یقْرِئُک السَّلَامَ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ فَقَالَ وَ عَلَیهِمُ السَّلَامُ قُلْتُ یسْأَلُونَک الدُّعَاءَ قَالَ وَ مَا لَهُمْ قُلْتُ حَبَسَهُمْ أَبُو جَعْفَرٍ- فَقَالَ وَ مَا لَهُمْ وَ مَا لَهُ فَقُلْتُ اسْتَعْمَلَهُمْ فَحَبَسَهُمْ فَقَالَ وَ مَا لَهُمْ وَ مَا لَهُ أَ لَمْ أَنْهَهُمْ أَ لَمْ أَنْهَهُمْ أَ لَمْ أَنْهَهُمْ هُمُ النَّارُ هُمُ النَّارُ هُمُ النَّارُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اجْدَعْ عَنْهُمْ سُلْطَانَهُمْ- قَالَ فَانْصَرَفْنَا مِنْ مَکةَ فَسَأَلْنَا عَنْهُمْ فَإِذَا هُمْ قَدْ أُخْرِجُوا بَعْدَ الْکلَامِ بِثَلَاثَةِ أَیامٍ.»[[3]](#footnote-3)**

جناب یحیی به امام (ع) سلام شیعیان را می‌رساند. در ادامه می‌گوید التماس دعا دارند. حضرت (ع) می‌فرماید: چه می‌خواهند. یحیی می‌گوید که منصور دوانیقی این‌ها را حبس کرده است. امام (ع) می‌فرماید: این‌ها چه ارتباطی داشته‌اند. یحیی می‌فرماید: ایشان کارگزار وی بودند و بعد چون دید که از شیعیان شما هستند آن‌ها را حبس کرده است. حضرت (ع) می‌فرماید:‌ سه بار می‌فرماید مگر من آن‌ها را منع نکرده بودم. دوباره سه بار می‌فرماید این دستگاه آتش است. بعد حضرت (ع) دعا کردند و بعد از سه روز از دعای حضرت (ع) ایشان آزاد شدند.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این سند محل اشکال است. سنان دارای اشکال است. (ما تضعیف وی را قائلیم) یحیی بن ابراهیم نیز توثیق خاصی ندارد. سند اعتباری ندارد.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این دلالت چند نکته وجود دارد:

1. نهی حضرت و هم النار، احتمال شخصیه و حقیقیه بودن دارد. ولی اظهر قضیه حقیقیه است. اشکال مسئله از حیث انتساب این ولایت و عمل به ابوجعفر بوده است.

2. ظهور مسئله در تولی من قبل الجائر قوی است و ظهور در حرمت دارد.

این روایت دلالت تام دارد. البته سنداً محل بحث است.

## روایت چهارم

**«وَ عَنْ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرْبِی قَالَ أَخْبَرَنِی مَوْلًی لِعَلِی بْنِ الْحُسَینِ ع قَالَ: کنْتُ بِالْکوفَةِ فَقَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْحِیرَةَ فَأَتَیتُهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاک لَوْ کلَّمْتَ دَاوُدَ بْنَ عَلِی- أَوْ بَعْضَ هَؤُلَاءِ فَأَدْخُلَ فِی بَعْضِ هَذِهِ الْوِلَایاتِ فَقَالَ مَا کنْتُ لِأَفْعَلَ إِلَی أَنْ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاک ظَنَنْتُ أَنَّک إِنَّمَا کرِهْتَ ذَلِک‌مَخَافَةَ أَنْ أَجُورَ أَوْ أَظْلِمَ وَ إِنَّ کلَّ امْرَأَةٍ لِی طَالِقٌ وَ کلَّ مَمْلُوک لِی حُرٌّ وَ عَلَی وَ عَلَی إِنْ ظَلَمْتُ أَحَداً أَوْ جُرْتُ عَلَیهِ وَ إِنْ لَمْ أَعْدِلْ قَالَ کیفَ قُلْتَ فَأَعَدْتُ عَلَیهِ الْأَیمَانَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَی السَّمَاءِ فَقَالَ تَنَاوُلُ السَّمَاءِ أَیسَرُ عَلَیک مِنْ ذَلِک.»[[4]](#footnote-4)**

می‌گوید در کوفه بودم، امام صادق (ع) در آنجا آمدند. خدمت حضرت می‌رود و حضرت را واسطه می‌کند تا در دستگاه شغلی پیدا کند. به حضرت می‌گوید احتمالاً شما ترستان از این است که من در دستگاه بروم و ظلم و جور بکنم و بعد قسم می‌خورد که اگر ظلم کردم چنین و چنان شوم. حضرت می‌فرماید چه گفتی؟ دوباره قسم‌ها را تکرار می‌کند. حضرت (ع) می‌فرماید: از اینکه به آسمان برسی راحت‌تر از این است که در دستگاه بروی و ظلم نکنی. یعنی این امر شدنی نیست.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت موثقه نیست. تا داوود بن زربی صحیح است. اما بعد از آن مجهول است. این سند مرسله است. مولی لعلی بن الحسین که از موالی حضرت سجاد (ع)‌ بوده است، مشخص نیست.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

نکات دلالت:

1. شخص متقاضی وساطت امام (ع) بود. برداشت شخص این بوده است که کار مشکل دارد و امام این را نمی‌پسندد. امام (ع) نیز این برداشت را منع نکرده است. همان برداشت را ایشان تقریر کرده‌اند. درنتیجه دلالت بر حرمت واضح است.

2. نکته اساسی بحث این است که ورود بر ولایت جور به چه علت حرام است؟

یک احتمال این است که تولی به ما هو هو حرام است. بحث ما نیز همین است و مدعای ماست.

احتمال دیگر این است که اصل تولی اشکالی ندارد. اگر هم می‌گوییم اشکال دارد به خاطر این است که در ولایتش ظلم به وقوع می‌پیوندد. بعضی گفته‌اند که ظاهر روایت در همین احتمال است.

1. **- وسائل الشیعه، ج 17، ص 187.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- همان، ص 188.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- همان.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- همان، ص 188 و 189.** [↑](#footnote-ref-4)